پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۱ تابستان ۱۳۹۷
No.31 Summer 2018

۶۸-۵۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷م بر قاینات، مطالعه موردی: سال‌های حضور بارون چرکاسف کنسول روسیه در قاینات و سیستان (۱۹۱۳- ۱۹۰۹م/۱۳۳۱-۱۳۲۷ق)

➢ **علی نجف‌زاده:** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

➢ **عباس سرافرازی:** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

رقابت روس و انگلیس در آسیا با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م تعدیل شد و ایران به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی‌طرف تقسیم گردید. روس‌ها منطقه سیستان را به رقیب واگذار کردند، ولی در منطقۀ بی‌طرف هنوز تحرکاتی وجود داشت و قاینات شرقی‌ترین منطقه بی‌طرف بود. اگرچه تاکنون درباره روابط روس و انگلیس در ایران و قرارداد ۱۹۰۷م پژوهش-های صورت گرفته، اما به اثرات و پیامدهای آن بر مناطق بی‌طرفی قاینات توجه نشده است. این پژوهش به‌طور خاص پیامدهای این قرارداد را بر قاینات در دوره فعالیت چرکاسف -کنسول روسیه- مورد توجه قرار داده تا اثر آن بر بیرجند مشخص شود. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس اسناد و گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس تلاش دارد به سؤالات پژوهش درباره پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷م بر قاینات، عملکرد بارون چرکاسف و اثرات حضور روس و انگلیس در بیرجند پاسخ دهد. یافته‌ها نشان داد روس‌ها بعد از قرارداد ۱۹۰۷م به‌جای سیستان تمرکز خود را بر قاینات قرار داده و چرکاسف بیشتر دوره مأموریت خود را مقیم بیرجند بود و تلاش کرد کنسولگری را نیز به آنجا منتقل نماید. او به‌طور فعال در کشمکش حشمت‌الملک دوم و شوکت‌الملک دوم نقش ایفاء کرد و اگرچه فعالیت پزشکی روس‌ها در بیرجند در دوره او کاهش یافت، اما در زمینه اقتصادی بانک استقراضی از سیستان به بیرجند انتقال داده شد. چرکاسف با تحت‌الحمایه قرار دادن مخالفان شوکت‌الملک دوم نظیر خوانین نخعی تلاش کرد متحدانی جدید در منطقه برای روس‌ها پیدا کند، اما اقدامش بی‌نتیجه ماند.

واژگان کلیدی: قاینات، بیرجند، قرارداد ۱۹۰۷، بارون چرکاسف، شوکت‌الملک دوم

Abstract

Russia and English competition in Asia was moderated by the 1907 agreement and Iran was divided into two areas of influence and an impartial area. Russians left Sistan region to rival; however, there were thresta in the impartial area and Qayenat was on the easternmost of impartial area. Although research has been done on the Russian-British relation in Iran and the 1907 agreement, its impact and consequences for the impartial area such as Qayenat have not been addressed. Therefore, this article addressed the consequences of this agreement for Qayenat and Birjand during the period of Cherkasov, Russian consul. This paper tried to answer research questions about the consequences of the 1907 contract in Qayenat and Birjand and the performance of Baron Cherkasov through a descriptive-analytical method.

The findings of the study indicated that the Russians focused on Qayenat instead of Sistan after the contract of 1907. Cherkasov resided most of his mission in Birjand and tried to transfer the consulate there. He was involved in the conflict between Heshmat al Mulk II and Showkat al-Mulk II actively. Although during his period the medical activities of the Russians were reduced, the bank of Esteghrazi Rus was transferred from Sistan to Birjand. Cherkasov, with the support of Showkat al Mulk II's opponents, such as Nahkai Khans tried to find new allies in the region, although he was unsuccessful.

Keywords: birjand -Qayenat-1907 contract- Baron Cherkasov- Showkat al-Mulk

*نویسنده مسئول مکاتبات: علی نجف‌زاده (۰۹۱۵۳۷۲۶۶۱۳) (anajaf@birjand.ac.ir)

مقدمه

روس‌ها فعالیت خود در شرق ایران را از اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه در سه حوزه تجاری، سیاسی و پزشکی دنبال کردند و تلاش‌های بازرگانی با فعالیت سیاسی توأم بود. درنتیجه این فعالیت‌ها برخی کالاها نظیر شکر روسی و پارچه‌های پنبه‌ای ارزان در بازارهای شرق ایران رواج یافت. اولویت روس‌ها در شرق ایران پس از خراسان، سیستان بود به همین جهت میلر در تابستان ۱۸۹۸م/۱۳۱٦ق به‌عنوان کنسول سیستان منصوب شد. او نقش مهمی در تحولات سیستان ایفاء کرد و علاقه فراوان به تجارت روسیه داشت، مسافرت‌های زیادی در شرق ایران انجام داد و مقاله‌های زیادی در این زمینه منتشر کرد. تلاش روسیه و بریتانیا در سیستان و قاینات علاوه بر نفوذ در مسائل سیاسی و اقتدار قبل از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م بر سیستان متمرکز بودند. میلر پس از آمدن هیات مک ماهون به سیستان، در سال ۱۳۲۱ق به‌شدت درگیر عزل حشمت‌الملک دوم از حکومت آنجا شد، درحالی‌که انگلیسی‌ها در مقابل از او حمایت می‌کردند. این اقدام میلر چالشی جدیدی در برابر نفوذ و اعتبار رقیب اصلی آن بود. رقابت دو برادر، حسام‌الدوله دوم و شوکت‌الملک اول باعث فراخواندن هر دو به تهران و انتصاب معززالملک به حکومت قاینات و سیستان شد. روس‌ها ابتدا توجه زیادی به ولایت قاینات که جزئی از خراسان بود و برخی مواقع همراه با سیستان یک ایالت را تشکیل می‌دادند، نداشتند و گزارش‌های کمی از رفت‌وآمد آنان به بیرجند در دست است. به‌تدریج تلاش‌های بازرگانی زمینه رفت‌وآمدهای سیاسی مقامات روس به بیرجند را فراهم کرد. آنها در سال ۱۳۱۹ق تلاش کردند با حاکم قاینات رابطه برقرار کنند. مسیو استروف مأمور کنسولگری روس از مشهد به بیرجند سفر کرد و چند عدد سماور نقره نفیس از طرف تزار برای امیر و برادر کوچکش ارمغان برد. با مرگ شوکت‌الملک اول، در سال ۱۳۲۲ق رقابت دو برادرش حسام‌الدوله دوم و شوکت‌الملک دوم برای حکومت قاینات باعث پرداخت رشوه‌های سنگین به درباریان شد و شوکت‌الملک دوم را متوجه بانک شاهی انگلیس در مشهد کرد. فعالیت پزشکی یکی دیگر از علل توجه روس‌ها به بیرجند به‌عنوان مرکز ولایت قاینات بود. این حوزه علاوه بر خدمات اجتماعی زمینه فعالیت سیاسی آن‌ها را نیز فراهم می‌ساخت. قاسم وزیری یا وزیروف گازومبک پزشک روسی مقیم بیرجند بود که رقابت جدی با همتای انگلیسی خود دکتر عباسعلی داشت. روس‌ها حضور یک پزشک روسی در بیرجند را برای اقدامات پزشکی و جلوگیری از بروز طاعون، ضروری می‌دانستند. در کنار رقابت پزشکی، وضعیت تجاری روسیه نیز در بیرجند ارتقاء یافت. در آنجا تجار انگلیسی و روسی برای کسب برتری تجاری در شرق ایران رودر رو قرار می‌گرفتند. این رقابت تا انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م ادامه یافت و حوزه اصلی آن در شرق ایران ابتدا سیستان بود، ولی با انعقاد این قرارداد رقابت‌ها در آنجا کاهش یافت و قاینات اهمیت بیشتری یافت. چه اتفاقی روی داد که باعث شد قاینات پس از قرارداد ۱۹۰۷ اهمیت بیشتری پیدا کند و حتی مهم‌تر از سیستان شود. این مسئله‌ای است که تاکنون در پژوهش‌ها به آن توجه نشده و موضوع اصلی این مقاله است.

پیشینه پژوهش

در مقاله اهمیت سیستان در اسناد محرمانه نوشته غلامرضا وطن‌پرست و اسفندیار احمدی که بر اساس اسناد محرمانه انگلیسی‌ها نوشته‌شده تنها تلاش روس‌ها برای نفوذ به سیستان و تلاش انگلیسی‌ها برای جلب نظر تجار بیرجند به‌سوی مسیر کویته تا سال ۱۹۰۰م بررسی‌شده است. محسن مدیرشانه‌چی نیز در مقاله تحولات سیاسی جنوب خراسان تا پایان دوره قاجاریه بیشتر به رقابت شوکت‌الملک دوم با حسام‌الدوله دوم در دوره مشروطه و تبعات آن تا سال ۱۳۳۰ق پرداخته که همزمان با سال‌های حضور بارون چرکاسف در قاینات است، ولی به نقش و جایگاه این کنسول روس در تحولات منطقه اشاره نکرده است. علی آرامجو و الهام ملک‌زاده نیز در مقاله قاینات و قدرت‌های بزرگ در دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۳۴ق) بررسی اوضاع سیاسی قاینات مناسبات حکام قاینات با بریتانیا و روسیه را مورد بررسی قرار داده است، ولی بیشتر توجه نویسندگان به وضعیت دوره شوکت‌الملک اول و تأسیس کنسولگری‌ها و سیاست‌های آن دو قدرت در قاینات طی جنگ جهانی اول بوده است و اشاره‌ای به سال‌های پس از قرارداد ۱۹۰۷م و زمان مأموریت چرکاسف نکرده‌اند. تنها در پژوهش‌های پیروز مجتهد زاده در کتاب امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران و بازیگران کوچک

در بازی بزرگ بر اساس اسناد کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات به‌طور مختصر به برخی فعالیت‌های چرکاسف اشاره شده است. علی نجف‌زاده نیز در مقالات بررسی رابطه شوکت‌الملک دوم با مستخدمان بلژیکی در ایران طی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ق و نخعی‌های قاینات و رابطه آن‌ها با خزیمه‌ها در دوره قاجار بر اساس اسناد وزارت امور خارجه و مرکز اسناد آستان قدس گوشه‌های از فعالیت چرکاسف را در زمینه اعطای پناهندگی به نخعی‌ها و اعتراض به قتل میرزا ابراهیم‌خان رئیس اداره مالیه قاینات مورد توجه قرار داده‌است. باوجود حضور مؤثر چرکاسف در قاینات طی سال‌های پس از قرارداد ۱۹۰۷م و مقارن با انقلاب مشروطه و جابجایی قدرت در خاندان علم تاکنون پژوهشی مستند در این زمینه صورت نگرفته است. یکی از علل کم‌توجهی به این موضوع محدود بودن اطلاعات و عدم انتشار اسناد می‌باشد. اسناد روسی چندان در دسترس نیست و پژوهش در این زمینه به اسناد ایرانی و انگلیسی محدود می‌شود.

روش پژوهش

مقاله حاضر به روش پژوهش‌های تاریخی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به‌صورت توصیفی-تحلیلی عملکرد چرکاسف را در قاینات مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله با تکیه‌بر گزارش‌های کنسولگری انگلیس در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴م/۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ق، اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه و اسناد آستان قدس رضوی انجام‌گرفته و تلاش می‌شود به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود: ۱. قرارداد ۱۹۰۷م چه تأثیری بر وضعیت قاینات گذاشت؟ ۲. چرکاسف به‌عنوان کنسول قاینات و سیستان چه عملکردی در منطقه داشت؟ ۳. استقرار چرکاسف در قاینات چه تأثیر بر حضور روس و انگلیس بر بیرجند نهاد؟

تأثیر قرارداد ۱۹۰۷م بر وضعیت قاینات

رقابت آشکار و پنهان روس و انگلیس در قسمت‌های مختلف آسیا نظیر ایران، افغانستان و تبت درنهایت آنان را به مذاکراتی کشاند که به قرارداد ۱۹۰۷م منجر شد. ایران به سه منطقه غیرمساوی تقسیم شد. منطقه شمالی برای روسیه و خطی که منطقه نفوذ روسیه را تعیین می‌کرد از قصر شیرین شروع و با عبور از اصفهان و یزد به گزیک در شرق ایران و مرز افغانستان منتهی می‌شد. منطقه‌ای در شرق ایران که از مرز افغانستان شروع از بیرجند و کرمان گذشته به بندرعباس می‌رسید حوزه نفوذ انگلیس تعیین شد و طرفین متعهد شدند در منطقه نفوذ یکدیگر به دنبال کسب امتیاز نباشند (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۴۷۸). این قرارداد صحنه رقابت سیاسی، تجاری و پزشکی روس و انگلیس در شرق ایران را تحت تأثیر قرار داد. سیستان در منطقه نفوذ انگلیسی‌ها قرار گرفت ولی قاینات در منطقه بی‌طرف قرار داشت و یکی از نتایج آن اهمیت گرفتن قاینات در مقابل سیستان بود. امری که دو سال بعد از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م و در دوره مأموریت بارون چرکاسف[1] به رقابتی پنهان بین کنسول روس و انگلیس تبدیل شد.

ام. براوین[2] تا جمادی‌الاول ۱۳۲۷ق کنسولیار روسیه در سیستان و قاینات بود و مقرر شد بعد از پایان مأموریتش مسئولیت کنسولگری به عهده دکتر اتو،[3] پزشک کنسولگری گذاشته شود. او قبل از عزیمت درباره جانشینش اطلاع داده بود که کنسول جدید به‌زودی از سن‌پترزبورگ عازم بیرجند خواهد شد و فصل تابستان را در آنجا اقامت خواهد نمود. در این فاصله دکتر اتو در سیستان رتبه کنسولی نداشت (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۸۵) و باوجود فقدان کنسول همچنان با سمت پزشک کنسولگری فعالیت می‌کرد. تا زمانی که تمرکز اصلی روس‌ها در شرق ایران بر سیستان بود، قاینات به‌طور رسمی در حوزه کنسولی سیستان قرار نداشت و زیرمجموعه تربت‌حیدریه بود. از اظهارات براوین استنباط می‌شد که قرار است قاینات پس از پایان مأموریتش رسماً جزو حوزه کنسولی سیستان قرار گیرد. دکتر کاس‌مینسکی،[4] پزشک روسی مقیم بیرجند، این موضوع را به ویلیام هوسن، نماینده اداره تلگراف هند در بیرجند، اطلاع داد (همان: ۸۷).

براوین بدون استقبال رسمی از سیستان وارد بیرجند شد و دکتر کاس‌مینسکی علت این نحوه ورود را بر اساس‌نامه‌ای از

1. Baron Tcherkassof
2. M.Bravine
3. Otto
4. Kosminsky

براوین که از نِه (نهبندان) نوشته بود بیان کرد که مایل نبود ایرانی‌ها به‌زحمت بیفتند. این مسافرت از لحاظ تغییر ساختار اداری کنسولگری روسیه در منطقه نیز مهم بود، زیرا ظاهراً براوین مدارک بایگانی کنسولگری روسیه را هم با خود به قاینات آورده بود. به همین جهت دکتر کاس‌مینسکی گمان می‌کرد کنسولگری روسیه نیز احتمالاً از سیستان به بیرجند منتقل خواهد شد. از گفته‌های براوین می‌توان حدس زد که ترتیب اتخاذ شده توسط روس‌ها مشابه انگلیسی‌ها می‌شد. یعنی تابستان در قاینات و زمستان در سیستان اقامت می‌کردند. براوین چندان زیاد در بیرجند اقامت نکرد و با پایان مأموریتش به روسیه بازگشت. دکتر کاس‌مینسکی گمان می‌کرد با این جابجایی موقعیتش اداری‌اش ارتقا خواهد یافت. بر همین اساس به هوسن اظهار داشته بود او به‌طور غیررسمی در سمت کنسول انجام‌وظیفه خواهد کرد ولی این گفته مبهم به نظر می‌رسید (همان: ۹۲-۹۱).

بعد از بازگشت براوین به روسیه، دکتر اتو دکتر کاس‌مینسکی هیچ‌کدام در سیستان و قاینات قدرت و اختیاری نداشتند. با این جابجایی‌ها خانه و محل سکونت دکتر کاس‌مینسکی در بیرجند در واقع به یک بایگانی تبدیل شد که پرچم روسیه بر فراز آن در اهتزاز بود و چرکاسف کلیه مکاتبات و ارتباطات رسمی را بر عهده گرفت. دکتر اتو نیز در سیستان چنین وضعیتی داشت و یک سردرگمی در سمت و رتبه مأموران روسی در سیستان و قاینات به وجود آمده بود. وقتی دوکز، سرکنسول انگلستان در سیستان و قاینات، در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق طی نامه‌ای خصوصی به دکتر اتو از وی سمت و منصبش را پرسید دکتر اتو پاسخ داد: «خودش هم نمی‌داند که سمت کنسولیاری دارد یا نه»(همان: ۱۰۹). این تغییرات مقدمه تأثیراتی عمیق بود و مهم‌ترین تغییر جابجایی محل استقرار سرکنسول روسیه از سیستان به قاینات بود. اتفاقی که در زمان استقرار چرکاسف در بیرجند روی داد. همزمان با ورود چرکاسف، به‌عنوان جانشین براوین، به قاینات تغییرات زیادی در ساختار اداری کنسولگری روسیه و اعضای دیپلماتیک آن در سیستان و قاینات ایجاد گردید. یک نمونه از آن، تغییر در حوزه جغرافیایی و سیاسی فعالیت دیپلماتیک روس‌ها در شرق ایران بود که تحت تأثیر قرارداد ۱۹۰۷م و رویکرد جدید روس‌ها انجام گرفت. گزارش کنیون،[1] کنسول انگلیس در سیستان و قاینات، در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق پس از ملاقات با دکتر کاس‌مینسکی این تغییر را تائید کرد. دکتر روس گفته بود قاین به‌طور قطع و دائم از حوزه تربت‌حیدریه منفصل شده و در حوزه کنسولیاری سیستان قرارگرفته است. بااین‌وجود، سیستان در رتبه کنسولگری باقی ماند و چرکاسف که مأمور آنجا شد، رتبه کنسولی داشت.

یکی از نتایج تحول ساختاری در کنسولگری روسیه تغییر نگرش مردم نسبت به روس‌ها و تأثیر آن بر شرکت در مراسم استقبال عمومی از چرکاسف، کنسول جدید روسیه در سیستان و قاینات، هنگام ورودش به بیرجند در ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق بود. بااینکه او با استقبال شایان حشمت‌الملک سوم، حاکم قاینات، روبرو شد ولی عموم مردم چندان استقبال نکردند. دکتر کاس‌مینسکی قبلاً همه تجار بیرجند را از ورود کنسول جدید آگاه کرده بود ولی آن‌ها در این مراسم غایب بودند و شوکت‌الملک دوم هم نماینده‌ای نفرستاده بود(همان: ۱۱۶) با ورود و اقامت چرکاسف در بیرجند تغییرات ایجاد شده در تشکیلات اداری کنسولگری روسیه در سیستان و قاینات به‌طور رسمی مورد توجه قرار گرفت. او در دیدار با کنیون همتای انگلیسی خود تغییرات حاصل از اقامتش را اینگونه تشریح کرد که از نظر تشکیلات اداری در وضعیت کنسولگری روسیه در سیستان و قاینات به‌طور رسمی تغییری ایجاد نشده است، زیرا چنین تغییراتی به اجازه دوما احتیاج داشت. بر همین اساس چرکاسف همچون سلف خود رتبه کنسولی داشت و مسئول کنسولگری سیستان و قاینات بود و طبق روال سابق استوارنامه خود را به دولت ایران تقدیم کرد. به نظر می‌رسید این جابجایی جغرافیایی حضور سیاسی روس‌ها را در سیستان کمتر کند و چرکاسف علت این تغییر مرکز ثقل فعالیت روس‌ها از سیستان به بیرجند را بدین علت بیان کرد که آن‌ها در آنجا اتباع و منافعی نداشتند. به همین جهت بهتر می‌دیدند که کنسولگری خود را به بیرجند منتقل کند که به مرکز حکومت

1. Kenion

دولایت قاینات و سیستان نزدیک باشد. چرکاسف از مقامات مافوق خود اجازه خواسته بود که زمستان را در بیرجند بماند. به عقیده او امکان موافقت با این درخواست وجود داشت. در این صورت او در تابستان سال آینده نیز به سیستان نمی‌رفت و بدین ترتیب کنسولگری روسیه عملاً از سیستان به بیرجند منتقل می‌شد (همان: ۱۳۸).

این اقدام چرکاسف به نفع انگلیسی‌ها بود و نه‌تنها باعث دوری روس‌ها از هندوستان بلکه باعث توجه بیشتر انگلیسی‌ها به بیرجند می‌شد. امری که ارتقاء موقعیت سیاسی آنان را در قاینات در پی داشت و باعث شد انگلیسی‌ها از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کنند تا نمایندگی خود را در بیرجند از یک مأمور تلگراف به کنسولی ارتقاء دهند. آن‌ها تا آن زمان به‌طور رسمی در بیرجند کنسولیاری و کنسولگری تأسیس نکرده بودند و تنها نماینده‌ای غیررسمی به نام ویلیام ریچارد هوسن[1] داشتند که رئیس شعبه محلی اداره تلگراف هند در بیرجند بود. ولی اکنون به تبعیت از روس‌ها و در پی اقامت چرکاسف در بیرجند اقداماتی برای دایر کردن نمایندگی رسمی انجام دادند. کنیون برای این تغییر دست‌به‌کار شد و تلگرافی به سفارت انگلیس در تهران مخابره کرد و طی آن درخواست نمود اگر کنسول روس زمستان را در بیرجند بماند شایسته است انگلیسی‌ها هم نماینده‌ای دارای استوارنامه در آنجا داشته باشند، زیرا نماینده بریتانیا در بیرجند رتبه کنسولی نداشت و بدون استوارنامه بود (همان). برنامه اقامت چرکاسف در قاینات باید از سوی وزیرمختار روسیه در تهران مورد تأیید قرار می‌گرفت. امری که تصمیم‌گیری درباره آن احتیاج به زمان بیشتری داشت و چرکاسف برخلاف تمایلاتش موفق به کسب آن نشد و حدود دو ماه بعد از ورودش به بیرجند تنها اجازه اقامت در فصل زمستان را در این شهر دریافت کرد (همان: ۱۵۹).

رفتار نمایندگان سیاسی روس و انگلیس در بیرجند مؤثر بر تلاش آن‌ها برای ارتقاء مرتبه سیاسی‌شان بود. فردریک اوکانر که بعد از کنیون به‌عنوان کنسول انگلیس در سیستان و قاینات منصوب شد، تلاش انگلیسی‌ها برای ارتقاء مرتبه هوسن در بیرجند را واکنشی به رفتار روس‌ها نسبت به او بود، زیرا هوسن در وضعیت دشواری قرار داشت، کنسول و دکتر روس هر دو به هوسن به چشم یک تلگرافچی محض و انسانی ساده و بی‌غرض می‌نگریستند و از هر فرصتی ولو اندک برای خوار کردن و کم‌محلی به وی دریغ نمی‌کردند (همان: ۲۳۶). هوسن طبق نوشته اوکانر[2] مردی برجسته بود که صرفاً با اتکا به شخصیت استوار و منش پسندیده‌اش موقعیت ممتازی در این قسمت از ایران برای خود ایجاد کرده بود و استعداد برقراری سریع رابطه دوستانه توأم با احترام متقابل را داشت و رفتارش با دیگران مؤدبانه و دوستانه بود. وی سپس مدیریت شعبه بانک شاهنشاهی در بیرجند را نیز بر عهده گرفت و بااینکه قبلاً آموزش بانکداری ندیده بود و تجربه‌ای در این زمینه نداشت، ضمن انجام سایر وظایفش این کار را با موفقیت انجام داد. به‌طوری‌که پیش از ترک بیرجند مدیران بانک از او تقدیر کردند (اوکانر، ۱۳۷۶: ۲۶-۲۵). این‌گونه چالش‌ها که برای نماینده انگلیس پیش می‌آمد، باعث می‌شد انگلیسی‌ها تلاش بیشتری برای ارتقاء موقعیت او و به سمت کنسولیار انجام دهند. آنان شش ماه بعد از ورود چرکاسف به قاینات موفق شدند نماینده خود را به سمت نایب کنسولی ارتقا دهند. طبق گزارش اوکانر در ۱۱ صفر ۱۳۲۸ق وی «نامه‌ای رسمی از وزارت امور خارجه دریافت کرد مبنی بر اینکه هوسن از تاریخ ۲۱ دسامبر به سمت کنسولیار اعلیحضرت پادشاه بریتانیا در بیرجند منصوب شده است» (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۲۶۱).

علاوه بر حضور چرکاسف در بیرجند، دایر شدن دیگر مؤسسات روسی در این شهر نظیر بانک استقراضی نیز ضرورت ارتقاء نمایندگی سیاسی انگلیس به سمت کنسولیار را توجیه می‌کرد. اوکانر درباره سمت جدید هوسن اعتقاد داشت انتصاب او به سمت کنسولیار بیرجند کاملا بجا و موجه بوده است، زیرا کنسول روس عملاً بیرجند را به‌عنوان مرکز فرماندهی برگزیده بود. علاوه بر آن قرار بود بانک روس در بیرجند افتتاح شود. در این شرایط برای انگلیسی‌ها

1. Howson

2. Oconner

مصلحت ایجاب می‌کرد که بیشتر مراقب قاینات و به‌ویژه بیرجند باشند. ولی اوکانر فکر نمی‌کرد انتخاب مرکز فرماندهی کنسولگری روس در بیرجند صدمه‌ای به انگلیسی‌ها بزند بلکه به گمان وی امکان داشت برعکس مفید هم باشد (همان: ۴۰۱). اقامت چرکاسف در بیرجند تغییرات عمده دیگری در مسائل دیپلماتیک این شهر ایجاد کرد. از آنجا که رابطه با نمایندگان خارجی بیشتر در حوزه فعالیت کارگزار وزارت خارجه بود، استقرار چرکاسف در بیرجند باعث تغییر محل اقامت کارگزار خارجه از سیستان به قاینات شد. پیشینه فعالیت نایب کارگزاری وزارت خارجه در قاینات به سال ۱۳۱۹ق بازمی‌گشت که باوجود خواسته شوکت‌الملک اول در این شهر مستقر شد (نجف‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۹) و در همان سطح باقی ماند، ولی از زمان استقرار چرکاسف در بیرجند کارگزاری وزارت خارجه در سیستان نیز مرکز ثقل فعالیتش را به این شهر انتقال داد. طبق گزارش کنیون از زمانی که بیرجند مرکز حکومت محلی هر دولایت شده بود و کنسول روس هم اقامتگاهش را به این شهر منتقل کرد، اکرم‌الملک، کارگزار خارجه سیستان و قاینات، برای این‌که از قافله عقب نماند، قصد عزیمت به بیرجند را کرد تا کارهای نایب کارگزاری آنجا را سروسامان دهد. این مسافرت امری دائمی نبود و به گفته اکرم‌الملک زمانی که کنسول بریتانیا و روسیه به سیستان نقل‌مکان می‌کردند او نیز به سیستان بازمی‌گشت (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

عملکرد چرکاسف در قاینات

ایفای نقش در رقابت حشمت‌الملک سوم و شوکت‌الملک دوم

یکی دیگر از نتایج حضور چرکاسف در بیرجند تأثیرگذاری در مناسبات اعضای خاندان علم بود. مقارن ورود چرکاسف به قاینات هنوز حسام‌الدوله دوم یا حشمت‌الملک دوم حاکم بود ولی خیلی زود و در حدود یک ماه بعد از قدرت کنار گذاشته شد و برادر کوچکترش شوکت‌الملک دوم به‌جایش منصوب گردید. روابط تیره دو حاکم بر موضع‌گیری نمایندگان خارجی مستقر در بیرجند نیز تأثیر گذاشت. اگرچه یک تفاهم کلی بین نمایندگان خارجی روس و انگلیس پس از قرارداد ۱۹۰۷م وجود داشت ولی هوسن و کنسول روس با یکدیگر تشریک‌مساعی می‌کردند تا از بروز هر نوع اغتشاش توسط حسام‌الدوله دوم و پسرش حشمت‌الملک سوم پیشگیری کنند، بااین‌حال چرکاسف بیشتر در جهت حمایت از حشمت‌الملک سوم در مقابل شوکت‌الملک دوم فعالیت می‌کرد و هوسن نیز طرفدار شوکت‌الملک دوم بود. اوکانر نیز شنیده بود که چرکاسف به‌طور فعال از حشمت‌الملک سوم حمایت می‌کند و حتی به سرکنسول روسیه در مشهد تلگراف زد و تقاضا کرد از حاکم مشهد مجوز ماندن وی را به مدت ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر در بیرجند تائید کند. برای اوکانر درک علت دخالت چرکاسف در این قضیه دشوار بود (همان: ۱۸۷، ۱۵۹). به همین جهت وقتی مهمان خانواده چرکاسف شد، از فرصت استفاده کرد و درباره دخالتش در قضیه حشمت-الملک سوم پرسید. پاسخ چرکاسف به مهمانش این بود که با درخواست تمدید ۱۰ تا ۱۲ روزه او در بیرجند همکاری کرد ولی حاکم معزول باید بعد از پایان این مدت عازم سیستان می‌شد و هیچ‌گونه عذری قابل‌پذیرش نبود. بر همین اساس اوکانر کمک چرکاسف به حشمت‌الملک سوم را ناشی از لطف وی دانست و پیشنهاد کرد در جهت اجرای نیت واقعی پیمان انگلیس- روس بهتر است در آینده درباره مسائل سیاسی با توافق یکدیگر عمل کنند و از همکاری صادقانه در اجرای هر اقدامی که برای برقراری آرامش و پیشرفت این دولایت لازم است، اطمینان حاصل شود. چرکاسف گفته‌های اوکانر را صمیمانه پذیرفت و قول داد که در این زمینه همکاری کند. بااین‌وجود حشمت‌الملک سوم همچنان مایل به اقامت در بیرجند بود و دستورات حکومت مرکزی مبنی بر خروج او از شهر و عزیمت به سیستان را با پشتوانه کنسول روس نادیده می‌گرفت. امری که باعث خشم مأموران حکومت مرکزی می‌شد. سعادت قلی مأمور دون‌پایه به ملاقات اوکانر رفت تا عملکرد کنسول روس درباره حشمت‌الملک سوم را رسماً به اطلاع وی برساند. او درحالی که اوقاتش تلخ بود می‌گفت: «در اجرای دستورات دائماً با مخالفت کنسول روس روبرو می‌شود که به دلایل شخصی مایل به حضور حشمت‌الملک در بیرجند است»(همان: ۱۸۸). همدستی چرکاسف با حشمت‌الملک سوم، واکنش-های عمومی نیز به دنبال داشت. در اوایل شوال ۱۳۲۷ق

احساسات مردم محلی به غلیان آمد و نمایندگان مجلس محلی نطق‌های آتشینی درباره دخالت کنسول روس ایراد کردند. شوکت‌الملک دوم نیز دراین‌باره با اوکانر گفتگو کرد و علت مداخله را از او جویا شد. اوکانر نیز بر اساس مذاکرات قبلی با چرکاسف علت این امر را دوستی چرکاسف با حشمت‌الملک سوم بیان کرد (همان: ۱۹۰ و ۱۹۴).

یکی از راه‌های کمک کنسولگری روسیه به تمدید اقامت حشمت‌الملک سوم در بیرجند تدارک بهانه‌های لازم ازجمله صدور گواهی پزشکی بود. شوکت‌الملک دوم به هوسن اطلاع داد طبق خبر موثقی دکتر کاس‌مینسکی به حشمت‌الملک سوم گواهی پزشکی داد مبنی بر اینکه مسافرت به چشم وی صدمه می‌زند. این امر حساسیت انگلیسی‌ها را بیشتر کرد به‌طوری‌که هوسن در دیدار با چرکاسف نیت و خواسته حشمت‌الملک سوم را از اینگونه حرکات جویا شد. به گفته چرکاسف، حشمت‌الملک سوم صادقانه قول داده بود که از بیرجند عزیمت کند به این شرط که او شوکت‌الملک دوم را برای اقامت ۱۵ روز دیگر در بیرجند راضی نماید، ولی چرکاسف چون می‌دانست که حشمت‌الملک سوم قصد ترک بیرجند را ندارد از دخالت در این موضوع صرف‌نظر کرد. چرکاسف به هوسن قول داد آنچه از نیات حشمت‌الملک سوم درباره اقامتش در بیرجند می‌داند طی نامه‌ای برای او سرگرد اوکانر توضیح دهد ولی تمایل نداشت که هوسن را در این گفتگو از راز و رمز موضوع آگاه کند (همان: ۲۱۳، ۲۰۵).

روس‌ها از دیگر امکانات خود در تأیید اقامت حشمت‌الملک سوم در بیرجند استفاده کردند. وقتی شاهزاده مدیر تلگراف‌خانه بیرجند عرض حالی برای حشمت‌الملک سوم صادر و تأکید کرد که اقامتش در بیرجند به احدی صدمه نخواهد زد و موجب ناآرامی و اغتشاش نخواهد شد، تلگرافچی روس آن گواهی را از طریق سیم تلگراف روس‌ها به مشهد مخابره کرد. رکن‌الدوله والی خراسان پس از وصول این گواهی و دریافت ۳۰۰ تومان، اقامت حشمت‌الملک سوم را در بیرجند مجاز دانست و موافقت خود را طی تلگرامی از طریق همان خط ارسال نمود (همان: ۲۲۰).



تصویر ۱. نمونه مهر بارون چرکاسف
ماخذ (ساکماق: ۷۳۷۳۸/۲)

بااینکه حشمت‌الملک سوم برای تأخیر در عزیمت از بیرجند زمینه‌سازی می‌کرد و به انواع دستاویزها و بهانه‌ها متوسل می‌شود ولی کنسول روس به‌تدریج با درک واقعیت‌های موجود سیاست حمایتی خود را از وی کاهش داد. امری که با رضایت اوکانر، همکار انگلیسی‌اش مواجه گردید و در گزارش ۹ ذیقعده ۱۳۲۷ق نوشت: خوشبختانه در این اواخر چرکاسف با هوسن همکاری می‌کند و هر دو نفر با تشریک‌مساعی توانسته‌اند حشمت‌الملک سوم را از تعقیب هدف‌های نابخردانه و اشتباه باز دارند. شاید این تغییر سیاست چرکاسف متأثر از وخامت اوضاع بود، زیرا در همان هفته شوکت‌الملک دوم رسماً به کنسول روس و هوسن نامه‌هایی نوشت و اعلام کرد که او بیش از این نمی‌تواند رفتار غیرقانونی حشمت‌الملک سوم را تحمل نماید (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۷؛ گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴، ۲۲۷).

یکی دیگر از شیوه‌های مداخله کنسولگری روسیه در کشمکش حشمت‌الملک سوم و شوکت‌الملک دوم، حمایت از متخلفان بود. چهار نفر از نوکران حشمت‌الملک تحت حمایت روس‌ها در کنسولگری بست نشستند. این افراد از بستگان و نوکران حاکم معزول و از اشرار معروف قاینات معرفی شدند که از طرف اولیای دولت دستور دستگیری و مجازات آنان صادر شده بود. دو نفر از بست‌نشینان خان محمد دروحی و قادربخش بودند. بااینکه چند جلسه تحقیق درباره گناهان متخلفان با حضور نماینده کنسولگری روسیه برگزار و جرم آنان ثابت و به مشهد و تهران نیز گزارش شده بود والی خراسان حکم ۷۰ حبس داده بود ولی کنسولگری روسیه از اجرای حکم ممانعت می‌کرد؛ و کنسول روس مدت بست‌نشینی متخلفان در کنسولگری را

ایام حبس محاسبه می‌کرد (ایران نو، شماره ۸۷: ۳، شماره ۱۱۷: ۳).

رابطه کنسولگری روسیه با حشمت‌الملک سوم در رمضان ۱۳۳۱ق با فراخوان سه امیر- حسام‌الدوله دوم، حشمت‌الملک سوم و شوکت‌الملک دوم به تهران گرم‌تر شد. حسام‌الدوله دوم و پسرش حشمت‌الملک سوم در این باره با کنسول روس و رجبعلی حبیب‌اف، نماینده تجاری کنسولگری روسیه دائماً در ارتباط بودند و چون حبیب‌اف در ملاقات با شوکت‌الملک دوم اظهار داشته بود که انگلیسی‌ها وعده دروغین می‌دهند، کنسولگری انگلیس سابقه منفی از وی ارائه داد. البته کنسول روس همیشه برای مداخله در امور خاندان حاکم چندان مستقل نبود. این بار از سفارت روسیه به وی دستور داده شده بود که بی‌طرفی کامل را در مورد عزیمت سه امیر به تهران رعایت کند. در این مقطع حشمت‌الملک سوم هم مثل سابق چندان امیدی به روس‌ها نداشت و به پریدوکس گفته بود کنسول روس برای حمایت از وی ابراز تمایل کرده ولی او پیشنهادش را نپذیرفته است (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۲۳۸، ۲۳۵). حشمت‌الملک سوم و شوکت‌الملک دوم در کمک خواستن از کنسولگری‌های خارجی اهداف متفاوتی داشتند. درحالی‌که شوکت‌الملک دوم کاملاً به انگلیسی‌ها متکی بود و برای عدم توقیف در تهران تضمین‌هایی گرفته بود (محبوب‌فریمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۰) ولی حشمت‌الملک سوم بیشتر به فکر وضعیت مالی‌اش در قاینات بود و به شوکت‌الملک دوم اطلاع داد که کنسول روس به او اطمینان داده اکنون‌که وی قاینات را ترک و صادقانه عازم تهران است خودش و املاکش از گزند مصون خواهد بود. یکی از نشانه‌ها تعامل حشمت‌الملک سوم با چرکاسف میزان ملاقات آن دو در بیرجند بود. آنان در آستانه مسافرت به تهران و ماه رمضان ۱۳۳۱ق. ۸ بار باهم شام صرف کردند (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵، ۲۴۵) و انگلیسی‌ها خیلی مشتاق بودند از نتایج این ملاقات مطلع شوند.

کاهش فعالیت پزشکی روس‌ها در بیرجند

بخشی از فعالیت روس‌ها در قاینات قبل از تشکیل کنسولگری ارائه خدمات پزشک بود. پزشکان روسی ابتدا به خاطر قرنطینه بیرجند در این شهر مستقر شدند. قاسم وزیروف یکی از اولین پزشکان روس مستقر در بیرجند بود و پس از آن دکتر کاس‌مینسکی مدتی در این شهر فعالیت کرد. او در ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۶ق اظهار داشت مراجعان به بیمارستان روس‌ها همگی از افراد کم‌درآمد جامعه‌اند و علت آن را بخشی به رجحان پزشکان خارجی و بخشی به سبب توجه و التفات حاکم به خودش نسبت می‌داد. فعالیت پزشکان خارجی در بیرجند نیز به‌شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی بود. دکتر کاس‌مینسکی از زمان ورود حشمت الملک سوم مردی مهم و پرمشغله شد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۲۱) و همه مردم بیرجند از هر طبقه را می‌پذیرفت. این دکتر می‌گفت بیرجندی‌ها آگاه باشند که او علاوه بر ارائه خدمات فراوان و طاقت‌فرسای پزشکی وظایف نمایندگی رسمی دولت روسیه را نیز به عهده دارد. او به هوسن انگلیسی گفته بود به‌طور غیررسمی در سمت کنسول بیرجند انجام‌وظیفه خواهد کرد (همان: ۹۲، ۳۴). ولی بعد از پایان مأموریت براوین کنسول روسیه در سیستان و انتقال بایگانی کنسولگری بیرجند، در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق خانه و محل سکونتش در واقع یک بایگانی شده بود که پرچم روسیه بر فراز آن در اهتزاز بود. در سال‌های پیروزی مشروطه‌خواهان بر طرفداران استبداد، روس‌ها مدتی در بیرجند به خاطر نقش منفی در وقایع مشروطه به انزوا رفتند. امری که دکتر کاس‌مینسکی نیز در گفتگو با کنیون بدان اشاره کرد و اذعان داشت دوستان بسیاری در بیرجند دارد. باوجود این، حضور او در این ناحیه بی‌اندازه ناگوار است، زیرا هیچ‌یک از مردم به روس‌ها به چشم دوست نمی‌نگریستند و او قادر نبود پاسخ قانع‌کننده‌ای به انتقادهای صریح دوستانش درباره عملکرد روس‌ها بدهد. او دیگر در بیرجند اقامت نداشت بلکه مقیم نوفرست شد و هر وقت پست مشهد می‌رسید برای دریافت نامه‌ها به بیرجند می‌آمد (همان: ۱۰۷، ۱۰۴).

دکتر کاس‌مینسکی زمان ورود چرکاسف به بیرجند در اوایل رجب ۱۳۲۷ق تدارک استقبال از وی را فراهم کرد، ولی پس

از آن حضورش در بیرجند کمرنگ شد و مأموریتش به پایان رسید. چهار سال بعد او نماینده تجاری روسیه در تهران شد و در ارتباط با سرهنگ ویگورنیتسکی،[1] کفیل کنسولیاری روسیه در بیرجند، در مسئله حمایت از حشمت‌الملک سوم فعالیت کرد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۳۲۴). فعالیت پزشکی روس‌ها در بیرجند در سال‌های حضور چرکاسف کاهش یافت و تنها از زمان ورود دکتر موروزف[2] افسر پزشک در ۱۶ رجب ۱۳۳۱ق از رونقی دوباره برخوردار شد. این افسر روس که به‌عنوان کنسولیاری سیستان منصوب شده بود، قبلاً وابسته به هنگ نظامی بود و ۲۲ سال سن داشت. او با ورودش دور تازه‌ای از خدمات پزشکی را در بیرجند آغاز نمود. چرکاسف در بیرجند طی نامه‌ای به عزالممالک، کارگزاری خارجه قاینات، درباره علت دایر کردن خدمات پزشکی روس‌ها نوشت: «دوستدار بنا به دلسوزی که نسبت به قاطبه اهالی این ولایت دارم جناب دکتر دولت بهیه را که تازه وارد شده‌اند، قدغن کردم که هفته‌ای دو روز دوشنبه و جمعه از یک ساعت از دسته گذشته تا مقارن ظهر مخصوصاً برای معالجات امراض داخلی و معالجه اطفال در دواخانه دولت بهیه که در بیرجند دایر است، حاضر شده مشغول معالجات امراض مذکور شوند». کنسول روسیه برای توسعه دامنه فعالیتش از عزالممالک درخواست نمود چنانچه صلاح بدانند طی اعلانی به قاطبه اهالی اطلاع دهد که از روز دوشنبه ۲۵ رجب ۱۳۳۱ق دکتر روس در دواخانه حاضر شده و مشغول معالجه خواهد بود (محبوب‌فریمانی، ۱۳۸۲: ۱۱۹ و ساکماق: ۲۵۶۱). عزالممالک نیز این نامه کنسولگری روسیه را برای حکمران قاینات ارسال نمود (همان: ۲۶۵۲). مأموریت دکتر موروزف نیز در بیرجند چندان طولانی نشد وی پس از چهار ماه اقامت و فعالیت در این شهر، یک ماه بعد از پایان مأموریت چرکاسف و بازگشت وی به روسیه، عازم سیستان شد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۲۶۸).

تأسیس بانک استقراضی روسیه در بیرجند

بانک استقراضی روسیه قبل از تأسیس شعبه بیرجند توسط نمایندگی تجاری فعالیت می‌کرد. طبق گزارش سال ۱۹۰۸م./۱۳۲۶هـ.ق. مشهدی رحیم نماینده شعبه بانک روسی بیرجند نمایندگی تجارت ابریشم در قاینات را نیز داشت و تخم ابریشم از آسیای صغیر وارد می‌کرد (علیزاده-بیرجندی و آرامجو، ۱۳۹۰: ۱۳۱). این بانک به اعضای خاندان حاکم وام‌هایی پرداخته بود که بازپرداخت آن به‌تدریج به معضلی جدی تبدیل شد. حسام‌الدوله دوم، حکمران سیستان و قاینات، مبلغی بیش از چهل هزار تومان به بانک استقراضی مقروض بود و آن را تا جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق نپرداخته بود. به همین جهت از سفارت روسیه به وزارت امور خارجه فشار وارد می‌شد و چندین تلگراف برای تعیین تکلیف این قرض دوم مخابره شد، ولی حسام‌الدوله از پرداخت بدهی‌اش طفره می‌رفت و بیشتر تلگراف‌ها را بی‌جواب گذاشته بود. بالاخره وزارت امور خارجه طی حکمی میرزا علی‌محمد خان، نایب کارگزاری خارجه بیرجند را مأمور وصول مطالبات بانک استقراضی کرد ولی حسام‌الدوله دوم نه‌تنها بدهی‌اش را نپرداخت بلکه به مأمور وزارت خارجه نیز توهین کرد. بانک روس تمام وجه را بدون مهلت طلب نمود و طی مذاکره مهلتی به حسام‌الدوله دوم داد که ده هزار تومان را نقد و بقیه را بافاصله معینی پرداخت کند همچنین مقرر شد این وجه توسط دکتر روس به بانک شاهنشاهی پرداخت شود (علیزاده بیرجندی و نادی، ۱۳۹۲: ۱۷۹-۱۷۸).

شوکت‌الملک دوم نیز پیش از انتصابش به حکومت قاینات با بانک استقراضی ارتباط داشت و مبلغ ده هزار تومان به آن بدهکار بود. این مبلغ باقیمانده وامی بود که با وساطت حاجی معاون‌التجار از آن بانک دریافت شده بود. بااینکه شوکت‌الملک دوم در مسائل سیاسی رابطه خوبی با کنسول روسیه نداشت و هنوز بانک روس در بیرجند دایر نشده بود ولی او در زمینه مالی با روس‌ها مرتبط بود و با وساطت دکتر کاس‌مینسکی با بانک روس تماس گرفت و آن‌ها وعده پرداخت وامی دیگر به مبلغ نوزده هزار تومان را به او دادند تا با این مبلغ بدهی‌اش را به بانک بپردازد و باقی‌مانده مبلغ را

---

1. Vygornitsky

2. Morozoff

صرف هزینه‌هایش کند (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۲۶۲). گزارش‌های فوق نشان می‌دهند در سال‌هایی که بانک استقراضی شعبه‌ای در بیرجند نداشته دکتر روس مسائل مالی را پیگیری می‌کرده است. یکی از تغییرات مهم در موقعیت روس‌ها در بیرجند از زمان ورود و اقامت چرکاسف در این شهر، کاهش فعالیت بانک استقراضی در سیستان و استقرار آن در بیرجند بود. بدین ترتیب که شعبه‌ای از این بانک در بیرجند افتتاح شد.

اوکانر در ۱۲ محرم ۱۳۲۹ق گزارش داد چرکاسف به من گفته که تصمیم گرفته شعبه بانک روس در سیستان را ببندد و بانک را به بیرجند منتقل نماید (همان: ۴۱۳). به نظر می‌رسید بانک روس توجهش را بیشتر به رونق تجارت با روسیه معطوف سازد. این تصمیم چهار ماه بعد از اظهارات چرکاسف عملی شد ویکتور کراسفسکی که به‌عنوان رئیس شعبه جدیدالتأسیس بانک روس در بیرجند انتخاب شده بود، در ٦ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ق وارد این شهر شد. او مردی جوان با دو یا سه سال تجربه معاونت بانک استقراضی مشهد بود. پس از ورودش به بیرجند به‌طور موقت در کنسولگری روسیه سکونت نمود و منتظر آمدن سایر کارمندان بانک شد تا کارش را شروع کند. بااینکه فارسی نمی‌دانست، ولی کمی فرانسه صحبت می‌کرد. حسام‌الدوله دوم که سخت مقروض بانک روس بود، رئیس جدید را با ابراز محبت بسیار پذیرفت و سوارانی را به استقبالش فرستاد و تشریفاتی از این قبیل را رعایت کرد (همان: ۴۸۲، ۴۱۷).

محل بانک استقراضی بیرجند در کاروانسرای قیصریه بود که آن را از حاجی عبدالعلی خان و صاحبکار اجاره کردند و بعد از مرگ مالکین وجه اجاره آن به وارثان آن‌ها پرداخت می‌شد (علیزاده بیرجندی و نادی، ۱۳۹۲: ۱۷٦). یکی از کارمندان بانک استقراضی روسیه در بیرجند، جوانی ارمنی به نام پاگاسیانی بود که به‌عنوان حسابدار توانایی روان صحبت کردن به فرانسه، فارسی و چند زبان دیگر را داشت و در ۲٦ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ق به دیدن اوکانر رفت (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۵۲۴). ابتهاج‌السلطان نیز از مسیو بقلاسن ارمنی نام برده که مدتی در بیرجند مستخدم بانک روس بود وقتی در پایان مأموریتش به روسیه بازگشت از طرف ابتهاج‌السلطان، «آدمی خیلی پرگو بی‌ربط حرف‌زن» معرفی شد (محبوب‌فریمانی، ۱۳۸۲: ۹۷). ایوانف از مهم‌ترین کارمندان بانک روسیه در بیرجند بود که با سمت دستیار مدیر شعبه عازم این شهر شد و به خاطر فعالیت‌های علمی و فرهنگی‌اش می‌توان او را از مشهورترین کارگزار روسی در بیرجند قلمداد کرد. ایوانف درباره دوره اقامتش نوشته است: «نخستین سال حضور من در بیرجند در ۱۹۱۲م شادترین اوقات من در دوران جوانی بود که دیگر هیچ‌وقت تکرار نشد. من کاملاً در مطالعات و تحقیقات میدانی غوطه‌ور بودم. به میزان فراوانی فارسی و عربی خواندم. نمونه‌هایی از فارسی محاوره‌ای محلی متنوع، اشعار و قصه‌های شفاهی را گردآوری کردم و یک ناحیه‌ای در حدود ۳۰ کیلومتر در اطراف بیرجند را تتبع کردم» (Ivanow, 2015: 55).

بانک استقراضی بیرجند بیشتر در زمینه تجاری فعالیت می‌کرد و برای جذب تجار محلی به تجارت با روسیه، اقدامات زیادی به عمل آورد. ازجمله برای تجار قاینات این امکان را فراهم ساخت که بتوانند به کمک یک سیستم اعتباری اقدام به واردات کالا از روسیه کنند. تجار بعد از درخواست کالا تنها یک دهم قیمت آن را به بانک تحویل داده و مابقی را یک ماه بعد از رسیدن کالا به بیرجند پرداخت می‌کردند. از دیگر اقدامات بانک روسی اعطای وام به تجار محلی (آرامجو، ۱۳۸۹: ۷۵) و خاندان حاکم بود. فعالیت بانک استقراضی در بیرجند نیز چندان موفقیت‌آمیز نبود و به‌زودی تعطیل شد. ایوانف درباره علت تعطیلی آن نوشته است: با شروع سال ۱۹۱۳م شایعاتی مبنی بر بسته شدن بانک منتشر شد. فرانکلین گفته بود ازنقطه‌نظر تجاری این بانک باید هرچه سریع‌تر بسته شود و بهتر است که دوباره هرگز بازگشایی نشود. برخی از مقامات عالی‌رتبه که به نقشه می‌نگریستند آنجا را منطقه‌ای جزئی دیدند و هیچ نظری درباره شرایط واقعی در آن منطقه نداشتند. این شعبه نه‌تنها در هیچ زمانی هیچ سودی در برنداشت بلکه حتی فعالیت‌هایش تنها به پرداخت حقوق کارکنانش محدود می‌شد. بنابراین حکم تعطیلی آن صادر شد و ایوانف نیز به شعبه کرمانشاه منتقل گردید (Ivanow, 2015: 55). او تا ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ق در بیرجند خدمت کرد و سپس از مسیر طبس و اصفهان عازم

همدان شد. رئیس اداره هم به‌زودی شعبه را تعطیل و از بیرجند عزیمت کرد. احتمال داشت بانک شاهی ایران مطالبات معوقه بانک روس را عهده‌دار شود (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۱۸۹). چهل و پنج روز بعد از سفر ایوانف خبر تعطیلی این بانک به واقعیت پیوست و در ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱ق گزارش شد شعبه بانک روسی بیرجند برای همیشه بسته شده است. کراسوسکی، رئیس شعبه، وصول مطالبات معوقه بانک استقراضی را به هوسن نماینده بانک شاهی ایران واگذار کرد و با خانواده‌اش عازم روسیه شد. قرار بود مطالبات سنگین بانک از حشمت‌الملک سوم را شعبه مشهد پیگیری کند (همان: ۲۱۱). گزارش فعالیت کوتاه‌مدت بانک استقراضی در بیرجند نشان می‌دهد چرکاسف تلاش کرد بیرجند را به‌جای سیستان به مرکز فعالیت اقتصادی روس‌ها در شرق ایران تبدیل کند ولی این تصمیم چندان با موفقیت توأم نشد و این بانک بعد از دو سال فعالیت تعطیل شد.

دخالت در حوادث بعد از قتل رئیس مالیه قاینات

بعد از کشته شدن میرزا ابراهیم‌خان، رئیس مالیه قاینات، توسط مأموران نظمیه، مسیو للو، پیشکار مالیه خراسان، چند بار علیه شوکت‌الملک دوم مطالبی بیان کرد و چرکاسف یکی از عوامل مؤثر بر کشمکش شوکت‌الملک دوم با مأموران بلژیکی مستقر در خراسان بود و در راستای سیاست حمایت از آن‌ها به طرفداری از مأموران مالیه پرداخت. او بیش از همه شوکت‌الملک دوم را متهم کرد و در همان روز اول واقعه طی نامه‌ای مطالبی به‌صورت سؤال و جواب بیان کرد (ساکماق: ۷۰۴۲۰/۱) و با اعلام پیام تسلیت مرگ میرزا ابراهیم‌خان، دستگیری قاتلین را قبل از فرار از بیرجند از حاکم خواستار شد. شوکت‌الملک دوم که متهم اصلی در این زمینه بود، این موضوع را همان روز طی تلگرافی به وزارت داخله اطلاع داد (ساکما: ۲۴۰۰۳۰۳۴۷/۱۹). وقتی مسیو للو در مشهد علیه شوکت‌الملک دوم سخنانی به زبان راند که خوشایند حاکم قاینات نبود او نیز در واکنش گفته‌های للو را با اظهارات چرکاسف از یک سرچشمه دانست (ساکماق: ۷۰۴۲۰/۳). یکی از دلایل همسو دانستن چرکاسف و للو این بود که این خبر را احتمالاً رئیس تلگراف‌خانه بیرجند و نایب کنسول انگلیس ارسال نکرده بود. شوکت‌الملک دوم مشکوک شد که دستورالعمل للو از مشهد و کاغذ چرکاسف در بیرجند علیه وی هر دو از یک سرچشمه آب می‌خورد. شوکت‌الملک دوم در برابر اتهامات وارده از سوی للو چرکاسف تأکید کرد نامه‌نگاری‌های متعدد با مرحوم ابراهیم‌خان داشته که مبین دوستی آن دو بود (همان: ۷۰۴۲۰/۱).

در پی این رویداد تشنج سیاسی در قاینات اوج گرفت و بسیاری از کارگزاران و مأموران مالیه از ترس جان خود به کنسولگری‌های روسیه و انگلیس پناهنده شدند. گزارش کارگزاری وزارت خارجه بیرجند به وزیر امور خارجه، در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۳۰ق. مسئله پناهندگی را بسیار فراتر از عوامل دخیل و مرتبط با قتل میرزا ابراهیم‌خان نشان می‌دهد. بنا به این گزارش تمام اعیان و اشراف منطقه تحت حمایت کنسولگری روسیه و انگلیس رفتند (استادوخ: ۱۳۳۰، کارتن ۳۵، پرونده ۳۵، ۱). مهم‌ترین نمونه آن پناهندگی حسینقلی خان رئیس قبیله نخعی به کنسولگری روسیه بود. او هنگام حضور چرکاسف در بیرجند برای خود و بستگانش تقاضای تحت‌الحمایگی کرد. جواب این درخواست با امضاء چرکاسف که به دست انگلیسی‌ها افتاد و نسخه‌ای از آن به وزارت امور خارجه ایران فرستاده شد، برخی ابعاد قضیه را روشن می‌سازد: «عمده الخوانین‌العظام حسینقلی خان رئیس طایفه نخعی را مرقوم می‌شود عریضه که به قونسولگری دولت قوی شوکت بهیه عرض کرده خواهش حمایت به جهت خود و برادر و بستگانتان نموده ملاحظه شد لهذا بنا به خواهش العمده‌خوانین العظام بموجب این مرقومه اظهار می‌شود که از تاریخ این مرقوم و مابعد آن مشارالیه خود را با برادر و بستگان مخصوص به خود در تحت حمایت قونسولگری دولت قوی شوکت بهیه امپراطوری مقیم قائنات دانسته اگر کسی هر تعدی یا زیادتی و اجحافاتی نسبت به شما و یا برادر و کسان نماید به عرض قونسولگری رسانیده اقدام و همراهی که لازم است درباره شما و بستگان شما خواهد شد. زیاد مرقوم نمی‌شود. بارون چرکاسف قونسول دولت بهیه روس مقیم قاینات و سیستان. مورخه ۵ شعبان نمره ۱۶۲» (استادوخ: ۱۳۳۰، کارتن ۳۰، پرونده ۳۷، ۹).

خبر تحت‌الحمایگی نخعی‌ها از سوی یکی از اعضای کنسولگری روسیه و کنسول بریتانیا در بیرجند گزارش شد.

طبق گزارش هانتر در نامه کنسول روس به حسینقلی خان قید شده بود او و افراد وابسته‌اش تحت حفاظت کنسولگری روسیه قرار گرفته‌اند(گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۵: ۹۳). این مسئله موقعیت شوکت‌الملک دوم را به‌طور جدی به چالش کشید. به‌طوری‌که این خبر را به‌صورت تلگراف رمز به وزارت داخله گزارش داد و نوشت کنسول روس جمعی از خوانین نخعی را تحت حمایت قرار داده و تذکره تبعیت داده است (استادوخ: ۱۳۳۰، کارتن ۳۰، پرونده ۳۷، ۱ و ساکماق: ۸۹۲۴/۲). نامه پناهندگی حسینقلی خان نخعی در ۲۲ رمضان ۱۳۳۰ق از سوی کنسول روسیه پس گرفته شد، ولی وزارت خارجه همچنان پیگیر مسئله بود و کارگزار خارجه در ۲۵ رمضان ۱۳۳۰ق. سواد نامه وزارت امور خارجه در موضوع خوانین بلوکات قاینات را برای حاکم قاینات ارسال داشت تا از روی بصیرت اقدام مقتضی در جلوگیری از این‌گونه وقایع بشود (ساکماق: ۸۹۲۴/۴). این تحت‌الحمایگی شاید بیش از شوکت الملک دوم برای انگلیسی‌ها مهم بود و به همین جهت این موضوع در گزارش های محرمانه آن‌ها انعکاس یافت و در گزارش هانتر به آن اشاره شده است. یکی از علل اهمیت مسئله وقوع آن پس از قرارداد ۱۹۰۷م بود. هر یک از دولتین روس و انگلیس تلاش می‌کردند در منطقه بی‌طرف نفوذ کنند و بیرجند در این منطقه قرار داشت. در گزارش هانتر درباره موقعیت جغرافیایی نخعی‌ها تأکید شده رئیس این قبیله در خوسف در ناحیه بی‌طرف زندگی می‌کند ولی بسیاری از افراد این قبیله که شامل شش تا ده هزار خانوار و بزرگ‌ترین قبیله قاینات است، در ناحیه تحت نفوذ ما ساکن هستند. بر همین اساس هانتر با وزیرمختار انگلستان در تهران تماس گرفت (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۹۳) وزیرمختار در این زمینه تحقیق بیشتری نمود و به هانتر اطلاع داد که معلوم شده کنسول روسیه بنا به درخواست حسینقلی خان، به او افراد خانواده‌اش وعده حمایت داده و قصد حمایت از همه قبیله نخعی نداشته است. در نامه کنسول روسیه واژه خانواده به‌صورت بستگان ذکر شده بود که می‌توانست آن را به عده‌ای از افراد که عضو خانواده رئیس قبیله نبودند، تعمیم دهد (همان: ۹۵-۹۴).

این موضوع بر مأموریت چرکاسف نیز تأثیر گذاشت و برای فشار بر او موضوع انتقالش از بیرجند مطرح گردید که گویا برای پس گرفتن نامه تحت‌الحمایگی بود و بی‌تأثیر در این اقدام نیز نبود، زیرا طبق تلگراف شوکت‌الملک دوم به وزارت داخله تبعیت نامه خوانین نخعی پس گرفته شد (همان: ۹۸) ولی شوکت‌الملک دوم که پس از این مسئله شرایط را به نفع خود دید همچنان پیگیر مسئله و به دنبال تنبیه عاملین بود و اعتقاد داشت چون مسئله شهرت پیدا کرده اگر مرتکبین مواخذه و مجازات نشوند ممکن است دول خارجه خیلی از اشخاص را تابع خود نمایند (علیزاده بیرجندی و نادی، ۱۳۹۲: ۱۸۵).

تأثیر اقامت چرکاسف در بیرجند بر رقابت روس و انگلیس

یکی از مهم‌ترین تأثیرات حضور چرکاسف در قاینات تمرکز بر اقامت در بیرجند بود. جابجایی جغرافیای حوزه فعالیت صاحب‌منصبان روس از سیستان به قاینات ضرورت انتخاب بنایی در خور شان کنسولگری را به دنبال داشت و این مسئله باوجود توافق کلی دولتین روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷م مبنی بر کاهش رقابت‌ها آنان را در بیرجند وارد عرصه جدید کرد، زیرا رقابتی آشکار در زمینه اجاره محل مناسب برای کنسولگری به وجود آمد. طبق گزارش انگلیسی‌ها در ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق دکتر کاس‌مینسکی بدون این‌که در بیرجند چیزی به هوسن همتای انگلیسی‌اش بگوید قول گرفتن باغی را برای کنسولگری روسیه از حسام‌الدوله دوم گرفت و به هوسن اعلام کرد کنسول انگلیس در محل آژانس انگلستان اقامت کند. دکتر کاس‌مینسکی سپس مترجم روس و قزاق‌ها را باعجله از سیستان به باغ مزبور فرستاد و هوسن را از عمل انجام‌شده مطلع نمود. محل اقامت کاس-مینسکی، نیز روستای نوفرست بود که بیشتر اوقات را در آنجا اقامت داشت (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱، ۱۳۹۴: ۱۰۷). چرکاسف نیز هنگام ورود به بیرجند ابتدا در باغ میرحسن خان سکونت گزید و سپس در خانه کوچک قشنگی که کنسولگری جدید روسیه بود، ساکن شد. این خانه را مستوفی برای ایشان در حول و حوش جنوب بیرجند ساخته بود. خانه باغچه نداشت

و نوید گرمان خفقان‌آوری را در تابستان می‌داد ولی خانه راحتی بود و بسیار آن را قشنگ مبلمان و تزیین کرده بودند (همان: ۲۸۳ و ١١٦).

ازآنجاکه محل اصلی مأموریت چرکاسف سیستان بود و باید به آنجا عزیمت می‌کرد مدت اقامت وی در سیستان یا قاینات یک چالش غیرقابل‌تصور برایش بود. هوای گرم و نامناسب سیستان از یک‌سو انتقال مرکز ثقل فعالیت سیاسی به بیرجند و فقدان رقابت و سرگرمی تازه از علل کاهش علاقه‌مندی چرکاسف به اقامت در سیستان بود. او اولین بار ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ق عازم سیستان شد و قرار بود بعد از پنج هفته اقامت به بیرجند برگردد ولی خیلی زودتر از آنچه تصور می‌رفت، بعد از دو هفته، به بیرجند بازگشت و تابستان را در باغ زیبایی در نوفرست بیرجند اقامت نمود (همان: ۳۰۷ و ۳۱۳ و ۳۴۷). او گاهی اوقات به بیرجند رفت و آمد می‌کرد. در سال ۱۳۲۸ق تغییرات زیادی در بیرجند روی داد. چرکاسف این شهر را برای انجام کلیه فعالیت‌هایش به‌عنوان محل اداره مرکزی برگزید، اقدامی که موجب بهبود وضعیت انگلیسی‌ها در سیستان شد، زیرا در فقدان حضور رقیب اصلی خود قدرت عمل بیشتری داشتند. چرکاسف برای بار دوم در آغاز زمستان ۱۳۲۸ق عازم سیستان شد که بی‌ارتباط با شرایط آب و هوای متفاوت دو منطقه نبود. این بار اقامت چرکاسف در آنجا کمی طولانی شد و او بعد از پنج ماه در اواسط بهار به قاینات بازگشت (همان: ۴۸۹، ۳۶۳). این بار نیز تصمیم گرفت در خارج از شهر اقامت گزیند. او مایل بود تابستان را در باغی در چند مایلی خارج از شهر بیرجند در نزدیکی محل سکونت اوکانر همتای انگلیسی‌اش اجاره کند. پس از پایان فصل گرما در اوایل پاییز بار دیگر نوبت جابجایی محل سکونت کنسول روس شد. ولی وی مایل به سفر نبود و دوست نداشت فصل زمستان به سیستان برود و درباره علت عدم تمایلش اظهار می‌داشت هیچ سرگرمی در آنجا وجود ندارد. خودش و بارونس همسرش هر دو به‌طور مرتب از این وضع ناله می‌کردند. به همین جهت از وزیرمختار روسیه در تهران تقاضا کرد تا در فصل زمستان قاینات را ترک نکند، اما درخواستش موردپذیرش قرار نگرفت و مقرر شد اواخر مهرماه به سیستان برود (همان: ۴۹۹ و ۵۶۴). او ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۹ق وارد سیستان شد و این بار مدت بیشتری در آنجا اقامت نمود. قرار بود اواسط بهار عازم بیرجند شود ولی بیماری شدید و ناگهانی همسرش باعث تعویق سفر شد و بعد از یک ماه تأخیر به‌سوی بیرجند حرکت کرد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۷۵).

چهارمین مسافرت چرکاسف به سیستان تنها بر اساس دستور وزیرمختار روسیه انجام شد. طبق گزارش هانتر او به دنبال دریافت دستور عزیمت به سیستان فوراً بیرجند را ترک کرد. طبق شنیده‌های هوسن، وزیرمختار روسیه برای تشویق چرکاسف به این سفر پیشنهادهای خوبی داده بود. در نامه محبت‌آمیزش وعده داده بود در شش ماه آینده پست بهتری به او داده شود (همان: ۱۰۴). بر این اساس چرکاسف اواخر پاییز عازم سیستان گردید و این مأموریت برخلاف سفرهای موقتی قبلی در سیستان طولانی شد. همسر چرکاسف چند ماه بعد در آخر زمستان همراه ویلکنسون از بانک شاهی ایران به بیرجند بازگشت. ولی چرکاسف این بار تا آخر اردیبهشت در سیستان ماند و سپس همراه کلنل ویگورنیتسکی، وابسته نظامی کنسولگری روسیه، عازم بیرجند گردید (همان: ۱۷۱و ۲۰۲). او این سال امیرآباد، در ۳ مایلی بیرجند را برای سکونت خود و همراهانش انتخاب کرد.

در طول سال‌های حضور چرکاسف در قاینات و سیستان چند بار مسئله پایان مأموریتش مطرح شد. ابتدا در ۲۲ صفر ۱۳۲۸ق. وقتی سروان سفتکف، وابسته نظامی جدید روس-ها، عازم سیستان شد، گمان می‌رفت چرکاسف برای انتصاب سمتی دیگر در خارج از ایران فصل بهار بیرجند را ترک کند (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱میلادی، ۱۳۹۴: ٢٦٦) ولی این‌چنین نشد. بار دوم بعد از تحت‌الحمایگی نخعی‌ها موضوع تغییر ماموریت چرکاسف مطرح شد. این بار شایعه شد چرکاسف به‌زودی به تربت‌حیدریه منتقل می-شود. این احتمال نیز مطرح گردید که جابجایی او مواخذه‌ای برای نامه به رئیس قبیله نخعی است. با پس گرفتن نامه فوق موضوع انتقال چرکاسف مسکوت ماند ولی این اقدام نوعی تقابل منافع روس و انگلیس در منطقه قاینات بود و با توجه به روابط حسنه‌ای که در سه سال گذشته بین آن دو کنسولگری از نظر رسمی و اجتماعی برقرار شده بود،

کنسولگری انگلیس از موضوع انتقال او بسیار اظهار تأسف کرد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، ۱۳۹۵: ۹۸). گزارش هفته بعد هانتر نشان می‌دهد انتقال چرکاسف لغو شده و این مسئله فرصتی به کنسول روس داد تا نامه تحت‌الحمایگی را از رئیس طایفه نخعی بازستاند (همان: ۱۰۰).

حدود نه ماه بعد برای بار سوم مسئله انتقال چرکاسف از قاینات مطرح گردید. این بار در آخر بهار گزارش شد او به‌زودی به کرمانشاه منتقل می‌شود. بر اساس این خبر چرکاسف احتمالاً در اواخر ژوئیه (اوایل مرداد) از بیرجند عزیمت می‌کرد و قرار بود ابتدا به کرمانشاه برود و سپس جهت بازگشت به روسیه تقاضای سه ماه مرخصی کند. طبق این گزارش جانشین احتمالی او در سیستان پتروف بود که باید از بخارا می‌آمد. گذشت زمان نشان داد این گزارش‌ها چندان صحیح نبوده و چرکاسف سه ماه بعد در آخر پاییز برای گذراندن مرخصی عازم روسیه شد. او به‌طور مستقیم به سرخس رفت و امیدوار بود این مسافت را در حداقل زمان طی کند. او روزانه ۵۵ مایل راهپیمایی کرد و چون مدت مدیدی از بی-خوابی رنج می‌برد و معمولاً خیلی کم ورزش می‌کرد بعید بود سفرش را بدون از دست دادن سلامتی به پایان برساند (همان: ۲۵۱، ۲۱۶). یکی از نکات حائز اهمیت در پایان مأموریت چرکاسف انتخاب جانشین وی بود. طبق گزارش عزالممالک در ۱۳ شوال ۱۳۳۱ق. او موقع حرکت پولکونیک ویکارشیسکی را به‌عنوان قائم‌مقام کنسولگری قاینات و سیستان معرفی کرد (محبوب‌فریمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۳ و ساکماق: ۳۰۳۱). سال‌های مأموریت چرکاسف در قاینات همزمان با رقابت داخلی خاندان علم بود. به همین جهت او به‌طور سنتی نقش عمده‌ای در مخالفت با شوکت‌الملک دوم داشت. اگرچه در برخی مواقع این نقش کمرنگ‌تر می-شد، اما آنچه پس از مأموریت کنسول‌های روس در قاینات در ذهن شوکت‌الملک دوم باقی ماند، مخالفت با حکومت وی بود. وقتی کنسول انگلیس در قاینات و سیستان سه سال بعد از عزیمت چرکاسف از حاکم قاینات خواست تعصب و ضدیت با روس‌ها را کنار بگذارد شوکت‌الملک دوم متذکر شد هیچ‌وقت مبادرت به ضدیت با روس‌ها نکرده و همیشه ضدیت از طرف مأمورین روس شروع‌شده چنانکه حرکات چرکاسف در زمان مأموریتش نسبت به وی در پرونده‌های کنسولگری انگلیس مؤید آن است (ساکماق: ۲۹۲۰/۱).

پس از بازگشت چرکاسف به روسیه پرونده مأموریت او در قاینات بسته نشد، زیرا بدهکاری مالی‌اش باعث تداوم مکاتبات رسمی بین کنسولگری روسیه و حاکم قاینات شد. طبق نامه شوکت‌الملک دوم به میرزا اسحاق خان، کارگزار خارجه قاینات، در ۱۵ صفر ۱۳۳۳ق. چرکاسف هنگام عزیمت از بیرجند، مبلغ سیصد و پنجاه تومان به‌موجب یک طغرا که بر روی اوراق رسمی کنسولگری نوشته شده بود، از حاجی یوسف خان، یکی از بستگان حاکم قاینات به‌عنوان قرض با وعده یک‌ماهه گرفت وعده داد آن را از مشهد یا روسیه توسط کنسولگری آن کشور بپردازد ولی تا یک سال و نیم بعد از مسافرت، خبری از پرداخت آن وجه نشد. به همین جهت حاکم قاینات از کارگزاری قاینات درخواست نمود وجه مذکور را از کنسولگری روسیه مطالبه کند (محبوب‌فریمانی، ۱۳۸۲: ۱۹۴). رومانووسکی، جانشین چرکاسف در قاینات و سیستان، در پاسخ به نامه شوکت‌الملک دوم اعلام نمود این موضوع توسط خود حاجی یوسف خان با وساطت رجبعلی حبیب‌اف به وی اطلاع داده شده وی از موضوع مطلع است. او در همین راستا نامه دوستانه‌ای به چرکاسف نوشت و به بغداد ارسال نمود، ولی جوابی دریافت نکرد و گمان می‌کرد به سبب جنگ عثمانی و دول اروپایی، ایشان نتوانسته به نامه پاسخ دهد. رومانسکی[1] در پایان تأکید کرده این مسئله از نظر حقوقی هیچ ربطی به کنسولگری ندارد که برای آن وارد مذاکرات شود، چون معامله شخصی خود چرکاسف بوده است. ولی پیشنهاد کرد اگر وی بخواهد می‌تواند در این خصوص عریضه‌ای برای سفارت روسیه در تهران بفرستد و جواب بخواهد. ولی باز هم تأکید کرد اقدام لازم برای رسیدن به جواب مساعد را انجام می‌دهد ولی آن را خارج از وظایف معمول کنسولگری می‌دانست (همان: ۱۹۵).

1. M.Romanovski

نتیجه‌گیری

قرارداد ۱۹۰۷م تنش روابط روس و انگلیس را در ایران کم کرد و هر یک از آن‌ها با آرامش بیشتری در قلمرو نفوذ خود به فعالیت سیاسی و اقتصادی پرداختند. سیستان که به مرزهای هندوستان نزدیک بود و فعالیت روس‌ها در آنجا خطری برای انگلیسی‌ها محسوب می‌شد، از آن پس آرامش بیشتری به خود دید، زیرا روس‌ها از آرمان‌ها و برنامه‌های توسعه‌طلبانه خود عقب‌نشینی کردند. این روند تدریجی و آرام بود و در سال‌های کنسولی بارون چرکاسف اجرایی شد. او برخلاف براوین چندان مایل به اقامت در سیستان نبود، زیرا روس‌ها در آنجا نه‌تنها اتباع بلکه فعالیت سیاسی و اقتصادی چندانی هم نداشتند. قاینات در منطقه بی‌طرف قرارگرفته و ورود به این منطقه و تمایل به اقامتش در آنجا همزمان با تغییر و تحول اداری بود. بیرجند که تا آن زمان در ساختار اداری روس‌ها زیر نظر کنسولگری تربت‌حیدریه بود از آن مجزا و به سیستان ملحق گردید و کنسول روس نیز چندان مایل نبود در سیستان اقامت کند. از این‌رو بیشتر دوره مأموریت خود را در بیرجند اقامت نمود. همین امر باعث شد موقعیت بیرجند از لحاظ سیاسی ارتقاء یابد و این یکی از تأثیرات قرارداد ۱۹۰۷م بر قاینات بود که موقعیت سیاسی آن را افزایش داد. یکی دیگر از علل تمایل چرکاسف به اقامت در بیرجند نزدیک بودن به مرکز حکومت خاندان علم بود. او فعالیت سیاسی خود را معطوف به حمایت از حشمت‌الملک سوم در رقابت با شوکت‌الملک دوم کرد و تلاش می‌کرد تا این حاکم مشروطه‌خواه را تحت‌فشار قرار دهد. این مسئله بخش مهمی از عملکرد چرکاسف در قاینات بود که بیشتر حوزه فعالیت سیاسی او را تشکیل می‌داد.

یکی از تبعات قرارداد ۱۹۰۷م کاهش فعالیت پزشکی روس‌ها بود، زیرا با حضور و اقامت چرکاسف در قاینات خدمات پزشکی آن‌ها کاهش یافت و با پایان مأموریت دکتر کاس‌مینسکی جایگزین فعالی برای وی تعیین نشد. عرصه اقتصادی اما وضعیت متفاوتی داشت و همزمان با حضور چرکاسف در قاینات این موسسه مالی نیز تغییر مکان داد. بانک استقراضی روس شعبه سیستان در پی قرارداد ۱۹۰۷م تعطیل و به‌جای آن شعبه بیرجند فعال شد که ایوانف یکی از کارکنان آن بود. این فعالیت نیز چندان دیری نپایید و قبل از اتمام مأموریت چرکاسف منحل شد. چرکاسف در کشمکش شوکت‌الملک دوم با بلژیکی‌ها به خاطر مسئله قتل رئیس اداره مالیه قاینات از بلژیکی‌ها و مسیو للو حمایت کرد و با پذیرش پناهندگی حسینقلی‌خان نخعی به‌عنوان تبعه روسیه، حاکم قاینات را به‌شدت تحت‌فشار قرار داد. این اقدام زنگ خطری برای انگلیسی‌ها بود، زیرا قلمرو نخعی‌ها در منطقه بی‌طرف قرار داشت و این عمل چرکاسف تلاش برای نفوذ در این منطقه تعبیر شد. علاوه بر فعالیت مستقیم چرکاسف در حوزه سیاسی، اقتصادی و پزشکی در قاینات، حضورش در این منطقه موثر بر رقابت با انگلیسی‌ها نیز بود. اقدام چرکاسف برای اقامت در بیرجند مورد استفاده انگلیسی‌ها قرار گرفت، زیرا آن‌ها اگرچه مقر کنسولگری خود را از سیستان به بیرجند منتقل نکردند، ولی به‌تدریج سمت هوسن نماینده خود را از یک تلگرافچی ساده به نایب کنسول ارتقاء دادند و زمینه استقرار مأموران بیشتری برایشان فراهم شد. این امر موقعیت شهر بیرجند را در مقابل سیستان ارتقاء داد، زیرا کنسول‌های روس و انگلیس ایام زیادی از مأموریت خود را در آنجا گذراندند و از آنجا که رقابت حسام الدوله دوم و پسرش حشمت الملک سوم با شوکت‌الملک دوم مقارن انقلاب مشروطه تشدید شد، چرکاسف نیز نقش مهمی در این رقابت‌ها ایفاء نمود. بااینکه انتظار می‌رفت با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م تنش موجود در روابط روس و انگلیس در ایران کاهش یابد، ولی چرکاسف در قاینات اقدامات تحریک‌آمیزی انجام می‌داد که بر این رقابت‌ها می‌افزود. این امر برنامه منظم روس‌ها نبود، بلکه بیشتر از ویژگی‌های شخصی چرکاسف ناشی می‌شد و به همین جهت پس از بازگشت چرکاسف به روسیه سیاستش در قاینات تداوم نیافت.

فهرست منابع

۱. آرامجو، علی. (۱۳۸۹). «قاینات در دوره قاجاریه». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تهران.

۲. آرامجو، علی و الهام ملک‌زاده. (۱۳۹۰). «قاینات و قدرت‌های بزرگ در دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق.) بررسی اوضاع سیاسی قاینات». *مطالعات فرهنگی، اجتماعی خراسان*. (شماره ۱۹) ۲۵-۱.

۳. اسنادوخ. (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه). سال ۱۳۳۰- کارتن ۳۵، پرونده ۳۵.

۴. استادوخ. (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه). سال ۱۳۳۰، کارتن ۳۰، پرونده ۳۷.

۵. اوکانر، فردریک. (۱۳۷۶). ***خاطرات فردریک اوکانر از مشروطه تا جنگ جهانی اول***. ترجمه حسن زنگنه. تهران: شیرازه.

۶. روزنامه ایران نو. شماره ۸۷ و شماره ۱۱۷.

۷. ساکما. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران). سند شماره ۲۴۰۰۳۰۳۴۷/۱۹.

۸. ساکماق. (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس). شماره سند ۴۲۷۳/۵، ۲۵۶۱، ۷۰۴۲۰/۱، ۷۰۴۲۰/۳، ۷۰۴۲۰/۱، ۸۹۲۴/۲، ۸۹۲۴/۴، ۳۰۳۱، ۲۹۲۰/۱.

۹. علیزاده‌بیرجندی، زهرا، و زهرا نادی. (۱۳۹۲). ***بانک‌های خارجی در خراسان جنوبی***. تهران: فکر بکر.

۱۰. علیزاده‌بیرجندی، زهرا، و علی آرامجو. (۱۳۹۰). «رشد کشاورزی تجاری و پیامدهای آن در نیمه دوم قاجاریه مطالعه موردی: ولایت قاینات». ***مطالعات تاریخ فرهنگی***. (شماره ۷)، ۱۳۹۶-۱۲۱.

۱۱. کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۵۴). ***روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴م***. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۱۲. ***گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۱***. (۱۳۹۴). ترجمه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.

۱۳. ***گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴***. (۱۳۹۵). ترجمه محمود رفیعی. تهران: هیرمند

۱۴. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۶). ***بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان***. ترجمه عباس احمدی. تهران: معین.

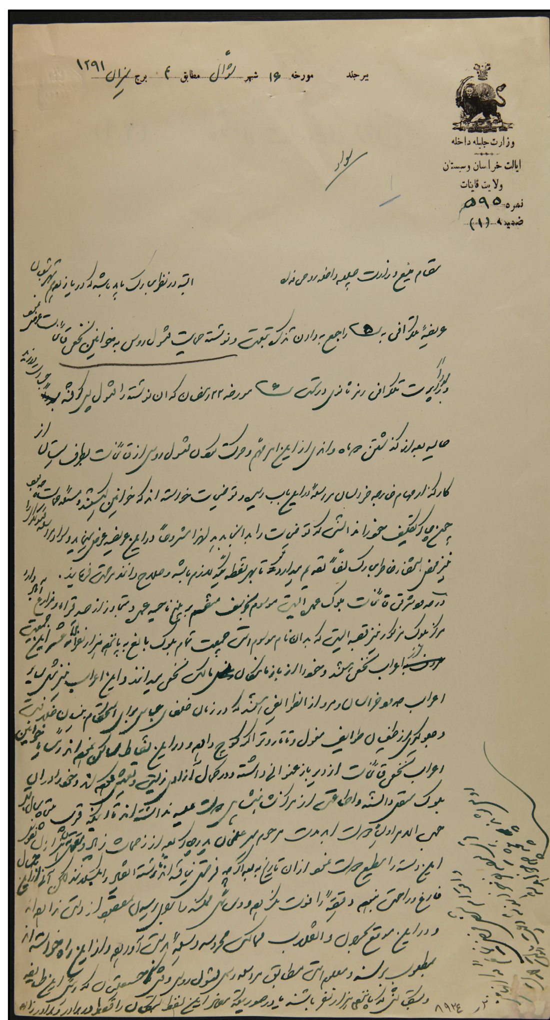
۱۵. محبوب‌فریمانی، الهه. (۱۳۸۲). ***اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران***. مشهد: سازمان اسناد، کتابخانه و موزه آستان قدس رضوی.

۱۶. مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۸۵). «تحولات سیاسی جنوب خراسان از انقلاب مشروطه تا پایان دوره قاجار». ***اطلاعات سیاسی-اقتصادی***. (شماره ۲۳۱ و ۲۳۲)، ۶۹-۶۴.

۱۷. نجف‌زاده، علی. (۱۳۸۵). «پژوهشی پیرامون استقرار کارگزاری خارجه قاینات و روابط حکام محلی با کارگزاران در عصر قاجار». ***فرهنگ خراسان جنوبی***. (شماره ۲). ۱۰۳-۸۷.

۱۸. وطن‌پرست، غلامرضا، و اسفندیار احمدی. (۱۳۷۸). «اهمیت سیستان در اسناد محرمانه». ***پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی***. (شماره ۲۵)، ۲۰۵-۱۸۳.

19. Ivanow, Wladimir. (2015). ***Fifty years in the east***. Edited by Farhad daftare. London: I.B.tauris.

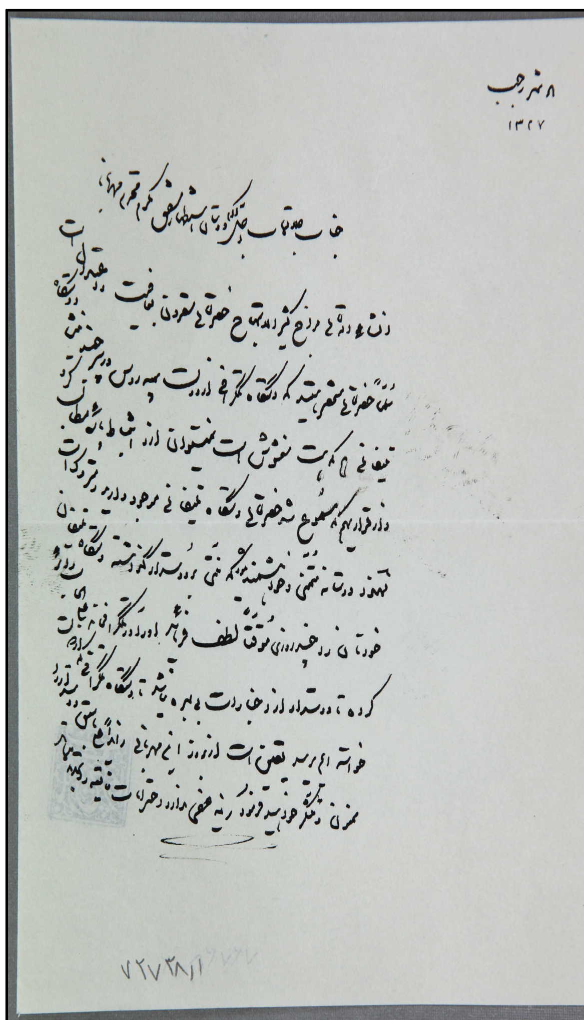


وزارت جلیله داخله
ایالت خراسان و سیستان
ولایت قاینات
نمره ۵۹۵
ضمیمه (۱)

مورخه ۱۶ شهر شوال مطابق ۴ برج میزان ۱۲۹۱

تصویر ۲. نامه شوکت‌الملک درباره نقش بارون چرکاسف در تحرکات منطقه قاینات

ماخذ: (ساکماق:۸۹۲٤/۲)



۸ شهر رجب
۱۳۲۷

تصویر ۳. نامه‌ای از بارون چرکاسف به حاکم قاینات درباره قرض گرفتن دستگاه تلفن

ماخذ: (ساکماق: ۷۲۷۳۸/۱)